

روش‌شناسی شبهه‌سازی وهابیت و نقد روشمند آن

عبدالهادی احمدی^۱

محمدتقی شاکر^۲

چکیده

واکاوی شبهات وهابیان و دسته‌بندی و قالب‌ریزی آن‌ها می‌تواند به استخراج گونه شناختی و آگاهی به روش ایجاد شبهه توسط آنان بینجامد. نگاشته پیش رو می‌کوشد افزون بر ارائه این روش‌ها، به راهکار نقد روشمند هر یک از گونه‌های شبهه‌سازی بپردازد. استقراء شبهه‌ها و دسته‌بندی آنها نمایان می‌سازد وهابیان بیشتر از چهار روش فراگیر برای ایجاد شبهه استفاده می‌کنند که عبارتند از: احیاء شبهات منسوخ گذشته، استوار کردن شبهه بر مبنای غلط اعتقادی، بهره بردن از مغالطه، استفاده از روشی غیر علمی همانند اتهام همراه با تبلیغ.

واژگان کلیدی

روش‌شناسی، شبهه، وهابیت، شیعه.

۱. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (سلام الله علیه).

Email: Abdolhadiahmadi24@gmail.com

۲. دکترای کلام امامیه، استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (سلام الله علیه).

Email: 14mt.shaker@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۲

طرح مسأله

بنیادی‌ترین رکن معرفت دینی، عقاید و معارف نظری است. دانش کلام عهده دار استنباط، تنظیم، تبیین، اثبات و دفاع از آموزه‌های معرفتی دین است. ورود اندیشه‌های بیرونی و تقابل در عرصه مباحث فکری، یکی از چالش‌ها در برابر معرفت صحیح دینی است. یعنی علاوه بر تبیین روشمند مبانی و معارف دینی، لازم است برای توفیق افزون‌تر به حجه‌ها نیز رویکردی روشمند و روش شناختی داشت.

روش به معنای در پیش گرفتن راه، فرآیند دست‌یابی به شناخت و یا تلاش برای توصیف پدیدار است و روش‌شناسی (Methodology) می‌کوشد به کارآمدی و ناکارآمدی شناخت و بررسی روش‌ها بپردازد. به دیگر بیان، روش‌شناسی دانش کشف راه بهره‌گیری از منابع برای رسیدن به اهداف در علم خاص می‌باشد که بررسی منابع و میزان اعتبار و حجت آنها نیز در این دانش طرح می‌شود. از این رو روش‌شناسی از دیدگاهی بالاتر با بررسی روش‌های تحقیق، به نقاط قوت و ضعف آنها پرتو می‌افکند، و این جایگاه خود گویای اهمیت و ضرورت آن است. از آن رو که دانش کلام متکفل آگاهی بخشی به عقاید دینی از طریق ادله یقینی و همچنین برطرف کننده شبهات پیرامون باورهای اعتقادی است. ورود روش‌شناسی به این عرصه با توجه به تعارض خوانش‌ها از دین و تقابل نظام معرفتی و کلامی، می‌تواند گامی نو برای رهیافت به حقایق معرفتی با بررسی روش‌های به کارگرفته شده در این دانش توسط هر دستگاه برای تبیین و تقابل با سایر نظام‌های فکری و عقیدتی را فراهم سازد. از این رو روش‌شناسی افزون بر حوزه تبیین عقاید^۱ در بررسی شبهات معاند نیز می‌تواند نقشی مهم ایفاء کند.

در شبهه با وارد کردن دلائل فاسد و توجیهات نادرست تلاش می‌شود باطل، حق جلوه داده شود از این رو حق‌نما بودن و وجود استدلال از مولفه‌های شبهه است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد از راهکارهای استحکام بخشی به باورهای اصیل و پاسخ به شبهات، روش‌شناسی شبهه‌سازی است تا نادرستی شبهه و ضعف استدلال آن نمایان شود و

۱. از نخستین نگاه‌های مستقل و کلی در حوزه روش‌شناسی دانش کلام می‌توان به کتاب روش‌شناسی علم کلام اثر رضا برنجکار اشاره کرد.

در نتیجه از تزلزل آموزه‌های اعتقادی جلوگیری و موانع پذیرش باورهای اصیل و صحیح برطرف گردد.

البته این گفتار به آن معنی نیست که وهابیت برای ایجاد شبهه مُتَد و روش خاصی دارد و همیشه از آن تبعیت می‌کند بلکه منظور این است که با قرار دادن شبهات وهابیت در کنار یکدیگر می‌توان یک الگوی فراگیر از آن ترسیم کرد. الگویی که قریب به اتفاق شبهات وهابیت در شاخه‌های آن جای می‌گیرد. به عبارت دیگر وهابیان ناخواسته برای ایجاد شبهه به یک روش چند مرحله‌ای تن داده‌اند، که این نوشته در صدد تبیین این روش و نقد روشمندان آن است به گونه‌ای که می‌توان نگاهی حاضر را از نخستین نگاه‌ها در عرصه روش‌شناسی شبهات به صورت موردی و مصداقی یعنی رویکرد بررسی روش شناختی شبهات وهابیت دانست.

شاید نتوان ملاک تقدم و تأخر واحدی برای مراحل روش شبهه‌سازی وهابیت بیان کرد. اما می‌توان این مراحل را با برخی اولویت‌ها چنین ترتیب بندی کرد.

مرحله اول: احیای شبهات منسوخ است. این مرحله از شبهه‌سازی بر سایر مراحل تقدم دارد چون تولید آن به مؤونه خاصی نیاز ندارد و هر نویسنده وهابی به راحتی می‌تواند آنرا در آثارش بازنشر دهد. به همین دلیل این نوع شبهه گستره وسیع‌تری را به خود اختصاص داده است.

مرحله دوم: شبهات مبنایی است. تقدم این مرحله بر سایر مراحل به دلیل ماهیت وهابی داشتن آنهاست. یعنی به جرأت می‌توان گفت این شبهات ساخته مذهب وهابیت است و ریشه در مبنای وهابیت دارد.

مرحله سوم: شبهات مغالطی است. پس از شبهات منسوخ و مبنایی، می‌توان شبهات مغالطی را قرار داد، زیرا گستره وسیعی از شبهات را در بر می‌گیرد. تا جایی که بسیاری از شبهات مبنایی و منسوخ نیز، خالی از نوعی مغالطه نیستند.

مرحله چهارم: شبهه‌سازی اتهامی است. در این روش یک اتهام بدون ذکر دلیل به شیعه وارد می‌شود و آنقدر تکرار می‌شود که عوام این اتهام را باور می‌کنند. اهمیت این مرحله به خاطر شیوع آن در بین عوام از اهل سنت است. به گونه‌ای که همیشه شیعه با این

اتهام در ذهن عوام همراه است.

مرحله پنجم: شبهه‌سازی تبلیغی است. در این روش با استفاده از ابزارهای تبلیغی به تبلیغات سوء علیه شیعه می‌پردازند که در نهایت باعث ایجاد تصویری غیر واقعی از شیعه در ذهن مخاطبین می‌شود. این مرحله بیشتر در جنگ‌های سیاسی و تبلیغاتی استفاده می‌شود. در ادامه هر یک از این مراحل بیشتر و دقیق‌تر بررسی خواهد شد.

۱- شبهه‌سازی حیائی

یکی از ساده‌ترین و در عین حال پرکاربردترین روش‌های وهابیت در شبهه‌سازی، احیای شبهات منسوخ است.

منظور از شبهات منسوخ شبهاتی است که قبل از شکل‌گیری وهابیت، در کتب علمای سابق اهل سنت و سایر مخالفین شیعه آمده است و چون علمای قدیم شیعه آنها را پاسخ داده‌اند، عملاً منسوخ و باطل شده‌اند. به عنوان مثال باز نشر شبهات کتب ابن تیمیه یا کتاب تحفه اثنی عشریه دهلوی و ... یکی از کارهای شایع و متعارف در پایان نامه‌ها و کتب عقاید وهابیان است. به عنوان مثال یک رساله دکتری در دانشگاه مدینه منوره تحقیق کتاب «الیمانیات المسلمولۀ، علی الروافض المخذولۀ» نوشته زین العابدین بن یوسف الکورانی است که قبل از ایجاد وهابیت تألیف شده و مملو از شبهات علیه شیعه است. (الراجحی، ۱۴۲۴ق: ۴۲۴)

البته شبهات کتابهای قدیمی تر هم از این سنتِ مرده‌پروری بی‌نصیب نمانده‌اند. به عنوان مثال: شبهه تاسیس شیعه توسط یک یهودی به نام عبد الله بن سبا در کتاب «الاتصار» یحیی بن ابی الخیر سنی متوفای قرن ششم هجری آمده است او می‌گوید: «فبدعۀ التشیع أول من دعی إليها عبد الله بن سبا اليهودی» (العمرائی الیمنی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۷) این ادعا البته نه به این صراحت در کتب قدیمی تر اهل سنت هم مشاهده می‌شود. (الطبری، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۷۹؛ ابن الاثیر، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۵۴) همین حرف را الهی ظهیر وهابی تکرار کرده و می‌گوید:

«إن التشیع أوجده اليهود، وأسسوا أسسه، وأصلوا أصوله، وأرسوا قواعده، ووضعوا عقائده ومعتقداته، بواسطة إبنهم البار عبد الله بن سبا» (الهی ظهیر الباکستانی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۷)

حمود التویجری (التویجری، ۱۴۱۴ق، ج: ۱، ۳۰۷) و محمد العثیمین (العثیمین، ۱۴۱۵ق: ۱۶۱) و علمای دیگری از وهابیت نیز این حرف را تکرار کرده‌اند.

این در حالی است که علمای شیعه چند قرن قبل به نفی اقوال و آراء عبدالله بن سبا پرداخته‌اند، که پاسخ‌های جامع آنرا علامه عسکری در کتاب «عبدالله بن سبا» گرد آورده است. (ر. ک: عسکری، ۱۴۱۷ق) به عنوان نمونه شیخ صدوق در الاعتقادات، ابن سبا را جزء غلات دانسته و می‌گوید: «اعتقادنا فی الغلاة و المفوضه انهم کفار باللّه تعالی، و انهم اشر من اليهود و النصراری و المجوس و القدریه و الحروریه و من جمیع اهل البدع و الأهواء المضله، و انه ما صغر الله جل جلاله تصغیرهم شیء.» (ر. ک: صدوق، ۱۴۱۳ق: ۹۷-۱۰۰)

روش و سبک پاسخ به این شبهات هم مثل تولید آن پرمشقت نیست. جستجو در کتاب علمای سابق بخصوص با وجود نرم‌افزارهای مفیدی که وجود دارد، به ما پاسخ‌های متعددی ارائه می‌دهد که قریب به اتفاق آنها متقن و قانع‌کننده هستند. و در نتیجه نیاز به کار علمی جدید در پاسخ به آنها نیست. البته در صورت احساس عدم رضایت از این پاسخ‌ها، می‌توان شبهات را در زمره برخی از مراحل بعدی قرار داد و طبق هر مرحله به آن پاسخ داد.

بنابراین اولین قدم برای پاسخ به شبهات وهابیت تشخیص جدید یا قدیمی بودن شبهه است.

نگاهی به بخش امامت از کتاب «أصول مذهب الشیعه الإمامیه الإثنی عشریه - عرض و نقد» (القفاری، ۱۴۱۴ق) نوشته القفاری وهابی و مقایسه آن با شبهات کتاب «الإمامه والرد علی الرافضه» (ابو نعیم، ۱۴۱۵ق) نوشته عالم سنی قرن پنجم ابو نعیم اصفهانی و «تحفه اثنی عشریه» (دهلوی، ۱۴۱۵ق) نوشته عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ق)، بیانگر منسوخ بودن بسیاری از شبهات آنهاست.

نکته مهم در مورد شبهات منسوخ این است که با وجود ابطال این شبهات توسط علمای شیعه، این شبهات همچنان تأثیر گذارند. علت تأثیر گذاری آنها هم به یک عامل خارج از شبهه برمی‌گردد. در واقع پاسخ صرف به شبهه کافی نیست بلکه این پاسخ باید وارد جغرافیای گسترش شبهه شود تا آنرا خنثی کند. متأسفانه جغرافیای پراکندگی شبهه

اکثراً مناطق سنی نشین است که زمینه گسترش شبهه توسط کتب و مقالات و سخنرانیهای علمای وهابی بیش از پاسخ‌های شیعه به آن فراهم است. لذا اولویت در نقد این شبهات انتشار وسیع و مناسب پاسخ‌های موجود در جغرافیای جهان اسلام و متناسب با ادبیات هر منطقه است، تا افزون بر دفع شبهه از بازپروری و بازنشر آن نیز جلوگیری کند.

۲- شبهه‌سازی مبنایی

مهمترین روش وهابیت در شبهه‌سازی علیه شیعه و بسیاری از مسلمانان، شبهه‌سازی مبنایی است. شبهات مبنایی در واقع دو اصل دارد. اصل اول یکی از اصول مذهب وهابی است و اصل دوم یکی از نتایج پذیرش این اصل است. به عنوان مثال عقیده وهابیت این است که زیارت و توسل شرک است نتیجه این اعتقاد این است، هر فردی که توسل و زیارت انجام می‌دهد مشرک است.

با توجه به مبانی خاص روش شناسی، معرفت‌شناسی، معناشناسی و هستی‌شناسی وهابیت، شبهات مبنایی وهابیت نیز به شبهات روش‌شناسانه، معناشناسانه، معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه تقسیم می‌شود.

الف - شبهه‌سازی روش‌شناسانه

روش‌شناسی در مفهوم مطلق خود به روش‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی از آن‌ها استفاده می‌شود و روش‌شناسی هر مکتب نیز روش‌های متناسب و پذیرفته شده آن مکتب برای شناخت هنجارها و قواعد آن مکتب است. (ر. ک: ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۷)

معمولاً در روش‌شناسی، چهار روش متصور است:

الف) روش عقلی؛ ب) روش نقلی؛ ج) روش شهودی؛ د) روش تجربی.

(ر. ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۲: ۶۳)

روشی که مکتب وهابی در پیش گرفته روش نقلی است. آنها در استفاده از این روش بسیار متعصب‌اند تا جایی که استفاده از سه روش دیگر را در اکثر مسائل جایز ندانسته و در بسیاری از موارد، نتایج حاصل از آن سه روش دیگر را بدعت و خلاف دین می‌شمرند. ابن تیمیه، که روش سلفیه را سامان داده است و وهابیان تابع او هستند، قائل است عقاید و ادله

آن جز از متون دینی به دست نمی‌آید؛ بنابراین وهابیان به عقل ایمان ندارند؛ چون آن را گمراه کننده می‌دانند؛ اما به نقل و به ادله‌ای که نقل بدان اشاره دارد، ایمان دارند. آنان تأکید می‌کنند که این روش‌های عقلی بعدها در اسلام ایجاد شده و در زمان صحابه و تابعان شناخته شده نبوده است؛ پس چنین روش‌هایی اعتبار ندارد. (ر. ک: همان)

این اصل، عامل یک نوع از شبهات مبنایی وهابیت است که ما آنرا شبهه‌سازی مبنایی روش‌شناسانه می‌نامیم. ما در آثار وهابیان شاهد تکفیر فلاسفه، عرفا، متکلمین و ... اعم از شیعه و سنی هستیم. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۱؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۴) این تکفیر ریشه در مبنای روش‌شناسی وهابیت دارد. آنها عقاید شیعه و بسیاری از اهل سنت را به دلیل استفاده از روش عقلی (فلسفه، منطق، کلام) و روش شهودی (عرفان و تصوف) باطل و خلاف عقاید اسلامی می‌دانند.

أبو سهل محمد بن عبد الرحمن المغراوي از علمای وهابی جامی می‌گوید:

«... ولقد تمت الشريعة وعلومها، وخاض في بحار الحقائق والدقائق علماؤها حيث لا منطلق ولا فلسفة ولا فلاسفة، ومن زعم أنه يشتغل مع نفسه بالمنطق والفلسفة لفائدة يزعمها، فقد خدعه الشيطان ومكر به، فالواجب على السلطان -أعزه الله وأعز به الإسلام وأهله- أن يدفع عن المسلمين شر هؤلاء المشائيم، ويخرجهم من المدارس ويبيدهم...» (المغراوي، بی‌تا، ج ۷: ۳۳۹)

قالب منطقی شبهه‌سازی روش‌شناسانه وهابیت چنین است:

مقدمه اول: بسیاری از عقاید شیعه و برخی از اهل سنت، مستنبط از روش‌های عقلی (منطق، فلسفه و کلام) و شهودی است.

مقدمه دوم: بر اساس مبنای روش‌شناسی وهابیت، که فقط روش‌شناسی نقلی معتبر است، عقاید مستنبط از روش‌های عقلی و شهودی باطل است.

نتیجه: بسیاری از عقاید شیعه و برخی از اهل سنت باطل است.

فرض این است که مقدمه اول چنین شبهاتی صادق است چون معمولاً مستند به منابع شیعه یا منابع سایر مخالفین آنها است گرچه در برخی موارد می‌توان مقدمه اول را هم به چالش کشید.

بهترین روش برای نقد شبهات روش شناسانه وهابیت، نقد کبرای برهان آنهاست. کبرایی که ریشه در مبانی روش شناسی وهابیت دارد. پس در چنین شبهاتی باید مبنای روش شناسی وهابیت نقد شود. البته نقد روش یک مکتب نیاز به مباحث دقیق روش شناسی و ارزش‌گذاری روش‌های معرفت‌شناسی دارد، که از حوصله این مقاله بیرون است. از طرفی هدف این مقاله نیز صرفاً ارائه طریق برای نقد هر نوع شبهه است.

از آنجایی که روش شناسی به نوعی تعیین کننده معرفت شناسی است، وهابیان نیز با انحصار روش در روش نقلی چاره‌ای جز پذیرش معرفت شناسی نقلی - حدیثی نداشتند که نتیجه آن پذیرش معارفی خاص و گاه مخالف سایر مسلمین بود. به این ترتیب زمینه شبهه‌سازی معرفت شناسانه وهابیان هم فراهم شد.

ب- شبهه‌سازی معرفت‌شناسانه

معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی، علمی است که پیرامون شناخت‌های انسان و ارزش‌یابی انواع شناخت و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌کند. (مصباح یزدی، بی تا: درس یازدهم) پس در معرفت شناسی هم نوع معرفت انسان و هم میزان ارزش و اعتبار آن و هم سنجه‌هایی برای درستی و نادرستی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همچنان که بیان شد وهابیان در روش شناسی، روش نقلی را در پیش گرفتند و تقریباً استفاده از روش‌های دیگر را غیر مجاز شمردند لذا در حوزه معرفت‌شناسی نیز حدیث‌گرا شدند. حدیث در نگاه آنها صرفاً منبع استخراج احکام نیست، بلکه در حوزه عقاید و اصول نیز کتاب و حدیث اصالت و مشروعیت دارد. (السلی، بی تا: ۳۲۳) اما باید توجه داشت که نتایج معرفت شناسی وهابی، حدیث‌گرایی افراطی و عمل به اخبار ضعیف و سلف‌گرایی افراطی است. (ر. ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۲: ۶۵-۷۰)

به عنوان مثال محمد بن عبدالوهاب بر مبنای این نوع معرفت شناسی و بدون توجه به عقل و سیره بیش از هزار ساله مسلمین، یک حدیث متروک را مستند قرار داده و می‌گوید هر چه قبر، بارگاہ و مجسمه است باید تخریب شود:

«ولمسلم عن أبي الهياج قال: "قال لي علي: ألا أبعثك علي ما بعثني عليه رسول الله صلي الله عليه وسلم؟ ألا تدع صورة إلا طمستها، ولا قبراً مشرفاً إلا سويته" في مسائل: ...

السابعة: الأمر بطمسها إذا وجدت.» (ابن عبدالوهاب، بی‌تا: ۳۲۳)

قالب منطقی شبهات معرفت‌شناسانه وهابی چنین است:

مقدمه اول: برخی از اندیشه و عقاید شیعه مخالف با حدیث است. (مثال: ساخت قبور و بارگاه، مخالف با حدیث است.)

مقدمه دوم: هرچه مخالف حدیث باشد [حتی اگر عقل یا سیره هزارساله مسلمین گویای صحت آن باشد]. مخالف اسلام است. (مبنای معرفت‌شناسی وهابیت)
نتیجه: برخی از اندیشه و عقاید شیعه مخالف اسلام است. (ساخت قبور و بارگاه مخالف اسلام است.)

با توجه به چنین دید معرفت‌شناسانه‌ای، وهابیان دست به تخریب مکان‌هایی زدند که جزء مهم‌ترین آثار باستانی جهان شناخته می‌شد در حالیکه هیچ عقل و هیچ عاقلی آنرا نمی‌پذیرفت. چون عقلا در تمام جهان، آثار باستانیشان را حفظ می‌کنند، بخصوص آثاری که مربوط به منشأ دین و مکتبشان باشد. (ر. ک: پرسمان دانشجویی، بی‌تا)

نقد

برای نقد شبهات معرفت‌شناسانه دو مرحله را می‌توان پیشنهاد داد:

مرحله اول: نقد مقدمه اول

مقدمه اول در واقع روایاتی است که وهابیان به آنها استناد می‌کنند. بنا بر این باید مراحل حدیث‌شناسی و نقد حدیث در مورد آن اعمال شود. روش‌های نقد حدیث دو گونه است:

الف) نقد سند محور ب) نقد متن محور.

الف) نقد سند محور

در نقد سند محور، از طریق تأمل در احوال راویان حدیث و اتصال یا انقطاع زنجیره سند حدیث، به ارزیابی حدیث می‌پردازند. علم رجال و درایه متکفل این مسئله‌اند. در بررسی سندی بهتر است سند روایت از دیدگاه اهل سنت بررسی می‌شود. در این بررسی از سنج‌های اهل سنت در تشخیص اعتبار و عدم اعتبار احادیث استفاده می‌شود. اگر در این مرحله عدم اعتبار سند ثابت شد، مقدمه اول برهان کاذب می‌شود و چون شرط

انتاج قیاس، صدق مقدماتین است، استدلال آنها باطل می‌شود. البته بررسی سند از دیدگاه شیعه نیز خالی از لطف نیست بخصوص اگر مخاطب شیعه باشد؛ که با ثبوت عدم اعتبار سند استدلال آنها باطل خواهد شد. اما اگر در این مرحله اعتبار سند حدیث ثابت شد، نوبت به مرحله بعد یعنی نقد متن محور حدیث می‌رسد.

ب- نقد متن محور

منظور از نقد متن محور، بررسی و ارزیابی یک حدیث، صرفاً بر اساس متن حدیث است. برای نقد متن محور معیارهایی وجود دارد مثل:

۱- نقد متن حدیث بر اساس کتاب و سنت (معیارهای نقلی): مانند عدم تعارض با کتاب، سنت و سیره.

۲- نقد متن حدیث بر اساس ادله لَبّی (معیارهای عقلی): عدم تعارض با ضروریات عقلی، عدم تعارض با مسلمات علمی، عدم تعارض با احادیث دیگر، عدم تعارض با مسلمات عقایدی و ... (فتح اللهی، ۱۳۹۵: ۴۶-۵۶)

مرحله دوم: نقد مقدمه دوم

مقدمه دوم ناشی از مبنای معرفت‌شناسی وهابی است. بنابراین نقد آن نیاز به یک بحث مبنایی معرفت‌شناسی دارد که در ضمن آن مبنای معرفت‌شناسی وهابیت (صحت معارف ناشی از هر نوع حدیث) باطل و مبنای معرفت‌شناسی شیعه (صحت جامع معارف عقلی، نقلی و شهودی) اثبات می‌شود. در اینجا نیز نقد مبنای وهابیت با استفاده از مبنای اهل سنت مناسب است.

با توجه به اینکه شیعه و بسیاری از اهل سنت، احادیث را از نظر اعتبار رتبه‌بندی کرده‌اند و با استفاده از معیارهای دقیق علمی برخی احادیث را معتبر و برخی دیگر را غیر معتبر دانسته‌اند، می‌توان از معیارهای شیعه و سنی برای نقد مبنای معرفت‌شناسی وهابیت استفاده کرد.

ج- شبهه‌سازی معناشناسانه

معنی‌شناسی به بحث درباره روابط میان لفظ و معنی می‌پردازد و به چگونگی کاربرد

لفظ در معنی توجه دارد. چنین بحثی هنگامی اهمیت می‌یابد که دربارهٔ متون مقدس، بویژه قرآن و روایات به کار رود. به این معنی که آیا الفاظ در قرآن و روایات همیشه در معنی لغوی خود به کار رفته‌اند و مراد از آن‌ها همان معنی ظاهری است؛ یا گاه با توجه به قرائن، به صورت مجاز به کار رفته است، و یا با توجه به ضرورت‌های عقلی، قابل تأویل به معنی‌های مرتبط با آن‌ها هستند؟ (ر. ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۲)

اکثر مسلمانان عقیده دارند که قرآن دارای بطن است. یعنی به غیر از ظاهر آن، حقیقتی دارد که اکثر مردم از دسترسی به آن محرومند و آن حقیقت باطن یا تأویل قرآن است که فقط راسخون در علم می‌توانند به آن برسند در همین راستاست که ائمه اطهار علیهم السلام فرموده‌اند: ما راسخون در علم هستیم. یعنی تأویل و باطن قرآن نزد ماست و مردم باید دین را از ما یاد بگیرند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۱۳)

یکی از مهم‌ترین مبانی فکری وهابیت، ظاهرگرایی است. آنان معتقدند برای فهم قرآن و سنت، باید ظاهر نصوص قرآن و سنت را اخذ کرد و از باطن و تأویل آیات دوری گزید. بخصوص در اسما و صفات خداوند و معاد باید به ظاهر الفاظ تمسک کرد. (ر. ک: فرمانیان، ۱۳۸۸) در نتیجه آنها قائل به نفی تأویل (ر. ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۲: درس دوم)، نفی مجاز (همان)، تشبیه‌گرایی در صفات خبری (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۳۹)، تعریف خاص برای توحید و شرک و ... شده‌اند. (ر. ک: علیزاده موسوی، ۱۳۸۰)

با توجه به این نوع معناشناسی، لجنه افتاء وهابی می‌گوید:

«أن الله سبحانه وتعالى مستو على عرشه بذاته وهو ليس داخل العالم، بل منفصل وبائن عنه...» برای توجیه سخنان از ظاهر آیات و روایات از جمله از ظاهر این روایت استفاده می‌کنند: «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «ألا تأمنوني وأنا أمين من في السماء...» آنها می‌گویند چون پیامبر گفته من امین آن کسی هستم که در آسمان است پس خداوند فقط در آسمان است نه جای دیگر. آنها در ادامه همین فتوی کسی را که این مبنای ظاهرگرایی آنها را قبول نداشته باشد حلولی دانسته‌اند «... من اعتقد أن الله في كل مكان فهو من الحلولية...» (السقاف، ۱۴۲۳ق: ۲۷ و ۲۳)

قالب منطقی شبهه‌سازی معناشناسانه (با توجه به مثال) چنین است:
مقدمه اول: اندیشه و عقاید شیعه مخالف با ظاهر حدیث است. (مثال: شیعه می‌گوید خدا مکان ندارد در حالیکه ظاهر حدیث می‌گوید خدا در آسمان است).
مقدمه دوم: هر چه مخالف ظاهر حدیث باشد، مخالف اسلام است. (مبنای معناشناسی وهابیت)

نتیجه: اندیشه و عقاید شیعه مخالف اسلام است. (باور شیعه به اینکه خدا مکان ندارد، مخالف اسلام است).

این در حالی است که قریب به اتفاق مسلمانان قائل به مجاز و تأویل در چنین آیاتی از قرآن هستند و سخن آنها در حجیت همه ظواهر همراه با نفی تأویل و مجاز را قبول ندارند. (ر. ک: السقاف، ۱۴۲۳ق: ۲۷ و ۳۰) همچنین قریب به اتفاق مسلمانان معتقدند خدا در همه جا حاضر است. با توجه به ادامه سخن لجنه افتاء وهابی، که می‌گوید کسی که چنین اعتقادی داشته باشد از حلولیه است، در نتیجه قریب به اتفاق مسلمانان از نظر وهابیان حلولیه‌اند.

نقد

این نوع شبهه نیز در دو مرحله قابل نقد است:

الف) نقد مقدمه اول ب) نقد مقدمه دوم

الف) نقد مقدمه اول

نقد این مقدمه همانند نقد مقدمه اول شبهات معرفت‌شناسانه است. بنابراین نیازی به تکرار نیست.

ب) نقد مقدمه دوم

مقدمه دوم ریشه در معناشناسی وهابیت دارد. بنابر این برای نقد آن باید بحث معناشناسی کتاب و سنت مطرح شود که در ضمن آن مباحثی همچون: بطن قرآن، حجیت ظواهر کتاب و سنت، جواز و عدم جواز تأویل، مجاز و ... در کتاب و سنت و ... مطرح می‌شود. با توجه به اینکه شیعه و بسیاری از اهل سنت قائل به بطن داشتن قرآن و جواز تأویل و مجاز در قرآن هستند، به راحتی می‌توان با استفاده از منابع شیعه و حتی تنها با

استناد به منابع اهل سنت مبنای معناشناسی وهابیت را ابطال کرد. انحصار روش در نقل و مخالفت با عقل و شهود، و انحصار معرفت در ظاهر کتاب و حدیث، آن هم بدون پذیرش تأویل و مجاز، وهابیان را به نوعی هستی‌شناسی حسی سوق داده است. که با توجه به هستی‌شناسی عقلی - عرفانی شیعه زمینه نوعی تقابل و در نتیجه شبهه‌سازی هستی‌شناسانه را فراهم کرده است.

د- شبهه‌سازی هستی‌شناسانه

هستی‌شناسی به بررسی و تحقیق درباره وجود می‌پردازد. مثلاً وجود چه تقسیماتی را می‌پذیرد و هر قسم از وجود چه احکامی دارد و در نهایت یک ساختار کلی از نظام هستی ارائه می‌کند و علاوه بر این ساختار روابط بین مراتب وجود در عالم را نیز مطرح می‌کند. هستی‌شناسی ممکن است در علوم مختلفی مورد بررسی قرار گیرد از این رو هستی‌شناسی‌های متفاوتی شکل می‌گیرد. مثلاً هستی‌شناسی فلسفی، هستی‌شناسی کلامی، هستی‌شناسی عرفانی و... .

در یک تقسیم‌بندی کلی هستی‌شناسی به دو بخش «حس‌گرایی» و «عقل‌گرایی» تقسیم می‌شود. در هستی‌شناسی عقل‌گرایانه، عقل و اصول عقلی، معیار شناخت وجود است؛ اما در نگاه حس‌گرایانه، حواس انسان ملاک است.

روش‌شناسی نقلی و معرفت‌شناسی حدیثی و در عین حال غیر معتبر دانستن عقل و شهود در کنار معنی‌شناسی ظاهری کتاب و سنت، وهابیت را به هستی‌شناسی حسی نزدیک کرده است به گونه‌ای که در بسیاری از موارد امور مجرد و غیر حسی را منکر می‌شوند یا آنها را مادی و حسی تبیین می‌کنند. البته به طور کامل نمی‌توان آنها را حس‌گرا دانست همان‌طور که نمی‌توان آنها را عقل‌گرا دانست. (ر. ک: عزیززاده موسوی، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۵؛ زریاب خویی، بی‌تا، ج ۳: ۷۶؛ همان: ۳۱۴؛ عزیززاده موسوی، ۱۳۹۱)

با تکیه بر این مبنای حسی، وهابیان نقدهای گسترده‌ای بر هستی‌شناسی شیعه و سایر فرق مسلمانان که برگرفته از عقل، عرفان و منطق است، وارد کرده‌اند.

به عنوان مثال بن باز مفتی وهابیت با تکیه بر این هستی‌شناسی می‌گوید:

«رؤية الله في الآخرة ثابتة عند أهل السنة والجماعة من أنكرها كفر» (بن باز، بی‌تا،

ج ۲۸: ۴۱۰

او شهود عقلی و عرفانی که در روایات آمده را دیدن حسی دانسته و سپس منکر چنین اعتقادی را هم کافر می‌داند.

همچنین مصطفی العدوی ضمن رد عقیده شیعه در مورد عدم رؤیت خداوند، می‌گوید:

«ومن عقائدهم [الشیعه] الزائغة أيضاً، القول بعدم رؤية الله عز وجل في الآخرة... فقد قال رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم: (إنكم سترون ربكم كما ترون القمر ليلة البدر ليس دونه سحاب، وسترون ربكم كما ترون الشمس في يوم صحو ليس دونها سحاب)» (المنجد، بی تا، ج ۳۸: ۴)

قالب منطقی این نوع شبهه چنین است:

مقدمه اول: شیعه می‌گوید فلان امر (همانند رؤیت خداوند) در نظام هستی غیر حسی است.

مقدمه دوم: سنت می‌گوید فلان امر (رؤیت خداوند در قیامت) مبنای هستی شناسی و هابیت] در نظام هستی حسی است.

مقدمه سوم: منکر سنت کافر است. (بن باز، بی تا، ج ۲: ۴۰۳)

نتیجه: شیعه کافر است.

بهترین روش در نقد چنین شبهاتی، ابطال مقدمه دوم است. ابطال مقدمه دوم چند مرحله دارد:

الف: نقد روایتی که مثلاً رؤیت حسی خداوند را ذکر می‌کند. در این روش می‌توان هم از نقد سندی و هم از نقد متنی بهره گرفت.

ب: به فرض صحت متن و سند روایت، نوبت به مرحله دوم می‌رسد. معمولاً این روایات با مبنای معنی شناسی ظاهری و هابیت سنجیده می‌شوند. پس می‌توان با نقد مبنای معنی شناسی ظاهری و هابیت در فهم این احادیث، مقدمه دوم استدلال را ابطال کرد.

ج: آخرین و مهمترین مرحله نقد چنین شبهاتی نقد هستی شناسی متمایل به حس و هابیت است. به عنوان مثال با اثبات غیر حسی بودن خداوند، می‌توان مسئله رؤیت خداوند

با چشم را از ریشه ابطال کرد.

شبهاتی که تا اینجا ذکر شد با این فرض بود که مقدمات و استدلال‌ها صحیح و منطقی و خالی از مغالطه باشد. اما شواهد فراوانی از کتب وهابیان گویای این امر است که شبهه‌های وهابیان مملو از انواع و اقسام مغالطه است. در این صورت روش پاسخ به شبهات قدری متفاوت خواهد بود.

۳- شبهه‌سازی مغالطی

برای دست‌یابی به حقیقت، مغالطه هیچ جایگاهی ندارد. (طوسی، ۱۳۲۶: ۳۴۶) با این وجود یکی از روش‌های متداول وهابیت در نقد شیعه و بسیاری از فرق اسلامی شبهه‌سازی مغالطی است. مغالطه انواع متعددی دارد، وهابیان نیز از بسیاری از این مغالطات استفاده می‌کنند. آنچه در ادامه می‌آید فقط برخی از شایعترین مغالطاتی است که وهابیت در نقد سایر فرق استفاده می‌کند.

الف- شبهه‌سازی با مغالطه ترکیب مفصل (سرایت دادن حکم جز به کل)

مغالطه ترکیب مفصل آن است که ویژگی‌های اجزاء یا اعضاء یک گروه به مجموعه یا به تمام اجزا نسبت داده شود.

به عنوان مثال ابن تیمیه در تقسیم شیعیان می‌گوید: «شیعیانی که به الوهیت حضرت علی اعتقاد دارند و یا معتقدند که حضرت جبرئیل خیانت کرد و به جای آن که وحی را برای علی بیاورد، برای پیامبر آورد و علی پیامبر است، در کفر این گروه شکی نیست.» (ابن تیمیه، بی تا: ۵۸۶) مشعبی که دیدگاه ابن تیمیه را در باب تکفیر تحقیق کرده است، هنگامی که به این ادعاهای بی‌اساس ابن تیمیه نسبت به شیعه می‌رسد، در پاورقی ذکر می‌کند که این نوع رافضیان امروز در تمامی مناطق عالم پراکنده‌اند. (المشعبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۴۵۰) قالب شبهه چنین است:

مقدمه اول: ابن تیمیه: برخی از شیعیان قائل به الوهیت حضرت علی و یا خیانت جبرئیل هستند.

مقدمه دوم: مشعبی: این نوع رافضیان در تمام مناطق جهان پراکنده‌اند.

نتیجه: شیعیانی (رافضیانی) که در کل جهان پراکنده‌اند قائل به الوهیت حضرت علی و

یا خیانت جبرئیل هستند.

مقدمه اول چنین شبهاتی معمولاً صادق است، گرچه بررسی صدق آن خالی از لطف نیست. بنا بر این نقد چنین مغالطاتی باید به نقد مقدمه دوم پرداخت.

مقدمه دوم چنین شبهاتی سعی دارد با نوعی ظرافت، حکم جزء را به کل سرایت دهد. همان طور که در مثال مشاهده می‌شود. مشعبی نمی‌گوید همه شیعیان معتقدند علی خداست یا جبرئیل خائن است. اما با ظرافت خاصی و بدون تکرار این عقیده، می‌گوید چنین رافضیانی در همه عالم پراکنده‌اند. تا ذهن مخاطب را به چنین برداشتی سوق دهد که همه شیعیان چنین اعتقادی دارند.

بنابراین نقد چنین مغالطاتی با مقدمه دوم و نقد مقدمه دوم با توجه دادن مخاطب به عدم کلیت حکم در مقدمه دوم است.

ب- شبهه‌سازی با مغالطه نقل قول ناقص

در بسیاری از موارد نقدهای وهابیت از قبیل مغالطات حذفی، تقطیعی یا گزینشی است. (ر.ک: خندان، ۱۳۸۰: ۱۶۳) مثلاً روایات شیعه را گزینشی و بدون مقایسه با روایات معارض ذکر می‌کند. یا بخشی از کلام علما را بدون اشاره به سایر سخنان او می‌آورند و از آنها نتیجه مورد نظر خود را برداشت می‌کند.

سعد حمدان الغامدی وهابی مناظراتی با آیت الله حسینی قزوینی داشت. او این مناظرات را در کتابی چاپ کرد اما پاسخ‌های آیت الله قزوینی را ناقص ذکر کرد به گونه‌ای که برخی از عقاید باطل را علیه شیعه اثبات می‌کرد و پاسخ ناقص هم نمی‌توانست آن را نفی کند. (الغامدی، ۱۴۲۸ق)

وقتی آیت الله قزوینی از این قضیه مطلع شد اعتراض خود را به او ابلاغ کرد و او هم قول داد در چاپهای بعدی جبران کند. اما باز هم به وعده خود عمل نکرد، لذا آیت الله قزوینی کل مناظرات را آنطور که واقع شده بود چاپ کرد و مغالطه آقای الغامدی روشن شد. (حسینی قزوینی، ۱۳۸۶)

پس نقد چنین مغالطاتی آوردن تمام و کمال مطلب است و تذکر حذف‌های مغرضانه رقیب است.

ج- مغالطه عام و خاص

ممکن است اجزای یک قضیه با هم رابطه عام و خاص داشته باشند و شخص با مساوی پنداشتن آن دو، به صورت یکسان، حکم هر یک را برای دیگری اثبات نماید. (ر.ک: طوسی، ۱۳۲۶: ۵۲۳) مثلاً:

سپاه صحابه که دنباله رو وهابیت است، قائل است شیعه ائمه را نبی می‌دانند. دلیل آنها این است:

مقدمه اول: شیعه می‌گوید ائمه معصومند.

مقدمه دوم: انبیاء معصومند.

نتیجه: شیعه می‌گوید ائمه نبی هستند.

این قیاس در جایی نتیجه می‌دهد که رابطه تساوی بین اجزاء برقرار باشد نه عام و خاص.

به عنوان مثال:

مقدمه اول: الف مساوی ب است.

مقدمه دوم: ب مساوی ج است.

مقدمه نهفته: هر چیزی که مساوی با شیء دیگر باشد با مساوی آن شیء نیز مساوی است.

نتیجه: الف مساوی ج است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود این استدلال در صورتی صحیح است که رابطه تساوی باشد، در حالیکه عصمت با نبوت رابطه عام و خاص دارد. (کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۸۱)

پاسخ به شبهات مغالطی دقت زیادی نیاز دارد و می‌توان گفت قاعده کلی در پاسخ به شبهات مغالطی یافتن نوع مغالطه و تبیین آن برای مخاطب است.

۴- شبهه‌سازی اتهامی - تبلیغی

یکی دیگر از روش‌های وهابیت در شبهه‌سازی، شبهات اتهامی - تبلیغی است. در این نوع شبهه دشمن یک اتهام بی‌دلیل را به شیعه نسبت می‌دهد. این اتهام‌ها در ظاهر بی‌اهمیت

هستند و نیازی به پاسخ به آنها احساس نمی‌شود. اما وقتی بخش دوم یعنی تبلیغات به آن ضمیمه می‌شود، اهمیت آن آشکار می‌شود.

این شبهات امروزه بیشتر در مسائل سیاسی و با پشتیبانی مراکز خبری همراه است. بیشتر این شبهات تحریک‌کننده‌اند و با وجود نداشتن واقعیت خارجی گاه بیشترین تأثیر را بر جامعه دارند و کاری می‌کنند که قویترین استدلال‌های منطقی از آن عاجزند. به عنوان مثال شبهه تشکیل هلال شیعی که برای تحریک عواطف اهل سنت و ایجاد توهم خطر شیعیان طرح شد با وجود عدم واقعیت نقش مهمی در احساس خطر کردن اهل سنت از ناحیه شیعه داشت. (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۱۸ و ۲۱۹)

پاسخ به چنین شبهاتی گرچه باید نخست با رفع اتهام صورت گیرد. اما ستون اصلی چنین شبهاتی تبلیغات است، لذا تبلیغات متقابل تنها راه موثر در مقابله با چنین شبهاتی است.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مسئله در تقابل با شبهات، شناخت گونه شبهه و ارائه پاسخ مناسب و مقتضی است.

گرچه کمیت شبهات وهابیان علیه شیعه گسترده است به گونه‌ای که بسیار مشکل بتوان آمار پاسخ‌ها را به آمار شبهات رساند. اما با روش‌شناسی شبهه‌سازی وهابیان و همچنین روش‌شناسی پاسخ به آن شبهات می‌توان مشکل نقص در کمیت را با برتری در کیفیت جبران کرد.

کوشیده شد با تقسیم بندی شبهات به چهار دسته اصلی شامل: شبهه سازی احیائی، مبنائی، مغالطی، اتهامی – تبلیغی، افزون بر تبیین روش شناختی شبهه از سوی مخالفان به راهکارهای مقابله و روش برخورد به آنها اشاره شود.

این مقاله می‌تواند گامی موثر در بستر سازی تقابل علمی با شبهات، و همچنین بررسی روشمندان شبهات وهابیت فراهم و زمینه تکمیل این مسیر را فراهم سازد.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد الشیبانی (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۱۱ق). درء تعارض العقل والنقل، تحقیق: الدكتور محمد رشاد سالم، المملكة العربية السعودية، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۱۶ق). مجموع الفتاوی، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (بی تا). الصارم المسلول علی شاتم الرسول، المحقق: محمد محی الدین عبد الحمید، المملكة العربية السعودية، الحرس الوطني السعودي.
۵. ابن عبد الوهاب، محمد بن عبد الوهاب بن سلیمان التیمی النجدی (بی تا). کتاب التوحید (مطبوع ضمن مؤلفات الشیخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء الأول)، المحقق: عبد العزیز بن عبد الرحمن السعید و غیره، الرياض، المملكة العربية السعودية جامعة الأمام محمد بن سعود.
۶. ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۳۵۷). الاشارات و التنبیها، قم، النشر البلاغه.
۷. أبو نعیم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی (۱۴۱۵ق). الإمامة والرد علی الرافضة، المحقق: د. علی بن محمد بن ناصر الفقیهی، المدينة المنورة / السعودية، مكتبة العلوم والحكم.
۸. إلهی ظهیر الباكستاني، إحسان (۱۴۰۶ق). التَّصَوُّفُ .. المنشأ والمصادر، لاهور - باكستان، إدارة ترجمان السنة.
۹. برنجكار، رضا (۱۳۹۱). روش شناسی علم كلام، قم، دارالحديث.
۱۰. بن باز، عبد العزیز بن عبد الله (بی تا). مجموع فتاوی العلامة عبد العزیز بن باز، أشرف علی جمعه وطبعة: محمد بن سعد الشویعر.
۱۱. پرسمان دانشجویی (بی تا). «بررسی روایت تخریب قبور از حضرت علی (ع)»، دسترسی در: <http://www.vahabiat.porsemani.ir>.
۱۲. تویجری، حمود بن عبد الله بن حمود بن عبد الرحمن (۱۴۱۴ق). إتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن والملاحم وأشرط الساعة، الرياض - المملكة العربية السعودية، دار الصمیعی للنشر والتوزیع.

۱۳. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰). «تحولات و ساختار منطقه خاورمیانه»، تهران: فصلنامه روابط خارجی، سال سوم ۱۳۹۰، شماره چهارم، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.
۱۴. حسینی قزوینی، سید محمد (۱۳۸۶). قصه الحوار الهادی مع الدكتور الوهابی احمد الغامدی، قم، موسسه ولی عصر.
۱۵. خندان، سیدعلی اصغر (۱۳۸۰). مغالطات. ویرایش سوم. چاپ سوم. تهران: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. دهلوی، عبدالعزیز (۱۴۱۵ق). تحفه اثنی عشریه، ترکیه، مطبعه الحقیقه.
۱۷. راجحی، عبد العزیز بن فیصل (۱۴۲۴ق). قمع الدجاجلة الطاعنین فی معتقد أئمة الإسلام الحنابلة، الرياض، مطابع الحمیضی.
۱۸. زریاب خوبی، عباس (بی‌تا). «عقاید ابن تیمیه»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۷۶.
۱۹. سقاف، حسن بن علی (۱۴۲۳ق). مناقشه منهج الوهابیه فی العقیده والتکفیر السلفیه الوهابیه افکارها الاساسیه وجذورها التاريخیه، عمان، دارالامام النووی.
۲۰. سیلی، سید عبدالعزیز (بی‌تا). العقیده السلفیه بین الامام ابن حنبل و الامام ابن تیمیه، قاهره، دار المنار.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۸۶). الاعتقادات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۲۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴). «متدولوژی حقوق بین الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هفتم، شماره ۱۵ و ۱۶.
۲۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ق). بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۲۴. طوسی، خوجه نصیر الدین (۱۳۲۶). اساس الاقتباس، تهران، دانشگاه تهران.
۲۵. عثیمین، محمد بن صالح بن محمد (۱۴۱۵ق). تعلیق مختصر علی کتاب لمعة الاعتقاد الهادی إلى سبیل الرشاد، مکتبه أضواء السلف.
۲۶. عسکری. مرتضی (۱۴۱۷ق). عبد الله بن سبا و اساطیر اخرى، تهران، المجمع العلمی الاسلامی.
۲۷. عزیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱). سلفی گری و وهابیت، جلد دوم: مبانی اعتقادی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، آوای منجی.
۲۸. عزیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۲). درسنامه وهابیت، تهران، سازمان حج و زیارت.
۲۹. عزیزاده موسوی، سید مهدی (بی‌تا). «توحید صفاتی در اندیشه اسلامی»، پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت شناسی، دسترسی در: <http://alwahabiyah.com>.

۳۰. عمرانی الیمنی، أبو الحسین یحیی بن أبی الخیر بن سالم العمرانی الیمنی الشافعی (۱۴۱۹ق). الانتصار فی الرد علی المعتزلة القدریة الأشرار، المحقق: سعود بن عبد العزیز الخلف، الرياض، المملكة العربية السعودية، أضواء السلف.
۳۱. غامدی، سعد حمدان (۱۴۲۸ق). گفتگوی آرام با دکتر قزوینی شیعی اثنی عشری، ترجمه حسینی محمد، فهرسه مکتبه الملک فهد الوطنیه.
۳۲. فتح اللهی، ابراهیم (۱۳۹۵). روش شناسی نقد حدیث، مقاله ۴، دوره ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۴۶-۵۶.
۳۳. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۸). مبانی فکری سلفیه، دانشگاه تهران.
۳۴. قفاری، ناصر بن عبد الله بن علی (۱۴۱۴ق). أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية - عرض ونقد -، بی نا.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳). مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۷ جلد، قم، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (عليهم السلام).
۳۷. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء (بی تا). جمع و ترتیب: أحمد بن عبد الرزاق الدویش، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الإفتاء، الرياض، رئاسة إدارة البحوث العلمیه و الإفتاء - الإدارة العامة للطبع.
۳۸. مشعبی، عبد الحمید بن سالم (۱۴۱۸ق). منهج ابن تيمیه فی التکفير، رياض، نشر اضواء السلف.
۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی (بی تا). آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۰. مغراوی، أبو سهل محمد بن عبد الرحمن (بی تا). موسوعة مواقف السلف فی العقيدة والمنهج والتربية (أكثر من ۹۰۰۰ موقف لأكثر من ۱۰۰۰ عالم علی مدى ۱۵ قرنًا)، القاهرة - مصر، المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع.
۴۱. منجد، محمد صالح (بی تا). دروس للشيخ محمد المنجد، موقع الشبكة الإسلامية:

<http://www.islamweb.net>